



«ایران» در گفت و گو با محمد بهشتی تهدیدات اخیر دشمن علیه زیرساخت‌ها را بررسی کرد

## دشمنی با «ایران بودن ایران» و «ایرانی بودن ایرانی»

### گفت و گو

#### گروه سیاسی

جنگی که دشمن آمریکایی - صهیونیستی با ادعای واهی حمایت از مردم ایران آغاز کرده بود، حالا پس از به شهادت رساندن صدها تن از مردم ایران به مرحله حملات آنها به زیرساخت‌های ملی و تهدید زیرساخت‌های حیاتی ایران رسیده است؛ مرحله‌ای که رئیس جمهوری آمریکا در اظهاراتی گزاف آن را تحت عنوان بازگرداندن ایران به عصر حجر مطرح کرد. ادعایی که با سید محمد بهشتی شیرازی، ایران‌پژوه و از چهره‌های فرهنگی شناخته شده کشورمان آن را به بحث گذاشتیم.

در روزهای اخیر شاهد حملات دشمن به زیرساخت‌های کشورمان هستیم. تجاوزاتی که رئیس جمهوری آمریکا با تمام وقاحت درباره‌شان گفت می‌خواهیم ایران را به عصر حجر بازگردانیم. این تهدید درباره ایرانی که ما می‌شناسیم تا چه حد کارگزار است؟

ابتدا باید ببینیم اینکه مدعی اند می‌خواهند ایران را به عصر حجر برگردانند به چه معنی است. یعنی می‌خواهند به زیرساخت‌های کشورمان اعم از زیرساخت‌های علمی، درمانی، فرهنگی و اقتصادی صدماتی بزنند که قابل بهره‌برداری و فعالیت نباشد و جریان زندگی با یک کیفیت معقولی را از بین ببرند! اولاً چنین اقداماتی بنا بر ميثاق‌های جهانی مصداق جنایات جنگی است. زیرا اینها هیچ‌کدام اهداف نظامی نیستند. آثار تاریخی، مدرسه دخترانه شجر طیبه، بیمارستان‌ها، انستیتو پاستور، پل و... که اهداف نظامی محسوب نمی‌شوند، اما فراغ از این مسائل بد نیست بدانیم منظور رئیس جمهوری آمریکا از بازگرداندن ایران به عصر حجر چیست! عصر حجر یا عصر سنگ از جهات بسیاری در باستان‌شناسی اهمیت دارد؛ عصر سنگ و خصوصاً دوران نوسنگی یکی از بزنگاه‌های مهم تاریخ حیات بشر است؛ چرا که آغازگاه تحولی روانی در جوامع بشری است که می‌توان همان «آگاه شدن» دانستش. عصر حجر برای ساکنین این فلات یک خاطره دور است چراکه انقلاب نوسنگی در ایران رخ داد و این منطقه یکی از نخستین سرزمین‌هایی است که خاستگاه‌های شهر بشری بود. همین

آگاهی بود که جوامع را از عصر



عکس: رضا معفریان، ایران

سنگ وارد اعصار بعدی مثلاً عصر فلز کرد. به عبارات دیگر معیار پشت سر گذاشتن عصر حجر رسیدن به آگاهی است و نه برخورداری از پل و اتوبان و نیروگاه. عصر حجر زمانی است که شعور شکل نگرفته بود. اگر معیار را شعور قرار دهیم به زعم بنده آقای ترامپ هم‌اینک در عصر حجر به سر می‌برد! نه فقط او که همه حامیانش نیز در عصر حجر به سر می‌برند. عجیب است که چرا خریدمندان و کسانی که در عصر حجر زندگی می‌کنند، چرا فرهیختگان جهان ساکت هستند یا صدایشان به قدر کافی بلند نیست. در حالی که ترامپ دارد سرنوشت یک جهان را به سمت عصر حجر می‌برد و نه سرنوشت ایران را. یقیناً کسی قادر نیست ایران را به عصر حجر بازگرداند؛ چرا که جامعه‌ای که از شعور بهره‌مند شده، به هیچ‌وسلیه‌ای نمی‌تواند به وضعیت قبل برگردد. اما این اظهارات نشانه دشمنی گوینده با «ایران بودن ایران» و «ایرانی بودن ایرانی» است. هرچند تاریخ شهادت می‌دهد که تا به حال هیچ‌کس از پس «ایران بودن ایران» و «ایرانی بودن ایرانیان» یا به عبارتی از پس شعور ایرانی برنمی‌آمده است. برای همین است که خیلی اقوام به سرزمین ما حمله کردند و حتی به لحاظ نظامی ایرانیان را شکست دادند و اینجا حاکمیت پیدا کردند ولی به فاصله یک یا دو نسل کاملاً در شعور ایرانی هضم شدند. ترامپ باید متوجه باشد که با چه تمدنی طرف است. او با ملتی طرف است که خودش مظهر شعور است، مظهر نجات بشر از بی شعوری و عبور موفق بشر از عصر حجر بوده است.

خاطرم هست که شما در

گفت‌وگویی قبلی که بعد از جنگ



۱۲ روزه داشتیم، بیان کردید که فرهنگ ایرانی شاعر حوزه‌های مختلف است و ایران را به مثابه قفقوسی که از آتش دوباره زاده می‌شود، توصیف کردید. آیا امروز هم موند همان تعبیرها هستیم؟ یعنی حتی در شرایطی که جنگ حاضر گسترده‌تر و شدیدتر از جنگی است که آن زمان رخ داد و این نگرانی برای برخی از مردم وجود دارد که این جنگ ایران را از مسیر رشد و توسعه برای مدتی خارج کند...

من پاسخ‌تان را با یک مثال و ارجاع تاریخی می‌دهم. در اواخر حکومت قاجار در شهر تبریز زلزله‌ای آمد و آن زلزله چیزی بالغ بر ۴۰ هزار نفر را کشت. به طوری که در تبریز حتی یک بنا که بتوان در آن ادامه زندگی داد، وجود نداشت. شش سال بعد از این حادثه آقا محمد خان کشته شد و فتحعلی شاه به پادشاهی رسید و عباس میرزا ولیعهد شد. آن آنجا که تبریز ولیعهد نشین بود، عباس میرزا عازم تبریز شد و چون شاهزاده باعرضه‌ای بود تصمیم گرفت تبریز را بسازد. اما وقتی به تبریز رسید، متوجه شد که اهل شهر، خودشان شهر را ساخته‌اند و فقط ساخت حصار شهر و ارگ حکومتی باقی مانده بود. پرسش این است که «چه چیزی تبریز را ساخت؟» به زعم من تبریزی بودن تبریزی‌ها. تا تبریز در تبریز وجود داشته باشد لزومی ندارد که ما از زلزله مهیب یا ۴۰ هزار کشته نیز رنگ از رخمان برد. بازار تبریزی که چند سالی است ثبت جهانی شده یکی از آن قبیل آثار است که بعد از همان زلزله ساخته شد و تا این اندازه ارزشمند است. تا ایران وجود دارد و ایرانی در ایران وجود دارد، دغدغه خاطر نسبت به چنین خسارت‌هایی نباید داشته باشیم. آن چیزی که باید نگران و مراقبش باشیم، این است که اختلالی در ایرانی بودن ما پدید نیاید یا تلاش کنیم اختلالی که در اهلیت ما طی سالیان پدید آمده را مرتفع کنیم. البته نشانه‌های فوق‌العاده زیادی وجود دارد که

دشمن سعی کرد در این جنگ مدعی یک فاصله‌گذاری میان حکومت و مردم شود و بگوید بین مردم ایران و نظام سیاسی فرق می‌گذارد. این ادعا را چگونه تفسیر می‌کنید؟

این نقابی بود که به چهره‌شان زده بودند و خیلی زود این نقاب از چهره‌شان افتاد؛ با حمله به مدرسه میناب، کشتن بچه‌های معصوم و بعد

اقداماتی پشت هم که این پرده را کنار زد و معلوم شد که آنها با ایران و ایرانی دشمنی دارند. در غیر این صورت چرا باید به آثار تاریخی صدمه بزنند؛ مگر آثار تاریخی هدف نظامی است. از ۱۹۵۴ یعنی بیش از ۷۰ سال است که همه پذیرفته‌اند که در جنگ‌ها باید مراقب باشند به آثار تاریخی صدمه وارد نشود. لیکن در جنگ اخیر بیش از ۱۳۰ اثر تاریخی و حتی چندین اثر ثبت جهانی آسیب دیده است. پس معلوم است که آنچه می‌گفتند دروغ بود. پرده دیگری هم در حال افتادن است و آن پرده‌ای است که پیش‌روی آنها نسبت به جامعه ایران وجود داشت و آنان را دچار توهمات می‌کرد بود و ارزیابی‌های خطایی نسبت به جامعه ایران داشتند. به تدریج دارد معلوم می‌شود که جامعه ایران با آن تصویری که آنها داشتند، تطابق ندارد.

یکی از ادعاهایی که دشمن در فضای رسانه‌ای خود مطرح می‌کند، این ادعاست که نظام جمهوری اسلامی یک نظام آخرازماتی است. تعبیر آنها هم از آخرازماتی بودن به دور بودن از عقلانیت و پیش‌پند ایدئولوژی به هر قیمتی است. آنها مدعی‌اند که با یک نظام آخرازماتی به نفع مناسبات عقلانیت و عملگرایی رایج جامعه بشری مقابله می‌کنند. این در حالی است که هم دولت ترامپ و هم رژیم صهیونیستی با همین تعریف نظام‌هایی آخرازماتی‌اند.

به‌گمانم این هم از جمله همان ادعاهایی بود که نادرستی‌اش هویدا شد. چرا باید آمریکا این طور از اسرائیل پشتیبانی بکند. دلیل این حمایت فقط و فقط یک نگاه آخرازماتی است. آنجلیست‌ها که تقریباً یک چهارم جمعیت آمریکا را تشکیل می‌دهند از این فکر پشتیبانی می‌کنند. آنها معتقدند که باید از اسرائیل حمایت کنند و اسرائیل هر خرابکاری‌ای می‌کند باید پشتیبانی شود زیرا اینها مقدمات آمدن مسیح است. هر عقلی تشخیص می‌دهد که اینجا منافع ملی آمریکا دارد زیرا با گذشته می‌شود. فقط به عنوان یک مثال، باید بدانیم جامعه ایران رفتار آمریکا در کودکی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ را پس از بیش از هفتاد سال هنوز نخبشده است. حالا برای این سرمایه‌گذاری که آمریکا در همین جنگ که بیش از یک ماه است جریان دارد انجام داد ببینید چه نقری را در جامعه ایران بنیان گذاشتند. عید است که تا پایان قرن بیست و یکم جامعه ایران دلش با دولت آمریکا صاف شود. خود اسرائیل چرا قصد دارد دامنه جنگ را وسیع‌تر کند، باز برای اعتقادات آخرازماتی است یعنی آنها به این ترتیب اتهاماتی که متوجه خودشان است را فرافکنی می‌کنند.

فراتر از تصمیمات کلان، شما سرنجام آنچه امروز شاهدش هستیم را چه می‌بینید؟

من فکری نمی‌کنم که سیاستمداران ما باید پایان جنگ، شکل پایان جنگ و شکل خروج از این وضعیت را مشخص کنند و به همین دلیل آنها باید فعال‌تر وارد صحنه شوند. صرف رویارویی نظامی کافی نیست. اگر چه مواجهه نظامی اهمیت زیادی دارد و باید از رمزنگاری که جان بر کف از سرزمین ایران دفاع می‌کنند، قدردانی کرد. ولی سیاستمداران هم باید حضور پررنگ‌تری از خودشان نشان دهند. این درست است که نظامیان در دفاع و مقابله قد و قواره رعنازی از خودشان نشان دادند اما حالا باید سیاستمداران را کیاست و بصیرت وارد میدان شوند و میداناری کنند.

### خبر

رئیس دفتر رئیس جمهور:

### بیش از ۷۳ درصد مردم از خدمات دولت رضایت دارند

تأمین نیازهای مردم و پشتیبانی از نیروهای مسلح مهمترین وظیفه دولت است



رئیس دفتر رئیس جمهور تأکید کرد: یکی از مهمترین مسائلی که باید به شدت مورد توجه قرار گیرد، حفظ وحدت و انسجام در جامعه است.

محسن حاجی میرزایی در گفت‌وگوی خبری در پاسخ به این پرسش که در این روزها خدمات دولت بیشتر در چه حوزه‌هایی متمرکز هستند و با چه کیفیتی ارائه می‌شوند، افزود: به خاطر دارم در جریان جنگ ۱۲ روزه، در همان روزی که جلسه شورای عالی امنیت ملی مورد اصابت قرار گرفت، بلافاصله پس از آن، آقای رئیس جمهوری اولین تصمیمی که گرفتند این بود که اگر حادثه‌ای رخ دهد و مشکلی پیش بیاید، شرایط کشور چگونه مدیریت خواهد شد. بلافاصله جلسه دولت تشکیل شد و ایشان تمام اختیارات خود را به وزرا و استانداران سراسر کشور تفویض کردند. وی ادامه داد: در قانون اساسی، اصل ۱۳۸ چهارچوب و اجازتی برای اختیارات اجرائی به وزرا را مشخص کرده است که رئیس جمهوری بر همین اساس بخشی از اختیارات را به ترکیبی از وزرا واگذار کردند. پس از اجرای طرح انتقال پارانها به انتهای زنجیره، تقریباً ترکیبی که رئیس جمهوری تعیین کرده بودند تقریباً هر روز جلساتی برگزار کرده و با اختیارات کامل، تصمیم‌گیری و رصد شرایط را انجام دادند تا پیش از بروز بحران، کشور در وضعیت مناسبی قرار گیرد و بتوان نیازهای مردم را به خوبی تأمین کرد.

رئیس دفتر رئیس جمهور خاطرنشان کرد: از سوی دیگر، بر اساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی، اختیاراتی نیز به استانداران تفویض شد. به این ترتیب، استانداران با اختیارات بیشتر، تلاش کردند نیازهای استان‌های خود را پیش‌بینی، تأمین و مدیریت کنند و ذخایر لازم را در نظر بگیرند.

حاجی میرزایی با بیان اینکه یکی از نکاتی که آقای رئیس جمهوری بسیار سر آن تأکید دارند، موضوع اعتماد است؛ اعتماد به نظام مدیریتی کشور اظهار کرد: به نظر می‌رسد نتیجه این اعتماد امروز قابل مشاهده است. وقتی با استانداران صحبت می‌کنیم، همگی با اطمینان از وضعیت استان خود سخن می‌گویند و حتی توصیه می‌کنند که از سایر استان‌ها نیز جویا شویم؛ این نشان می‌دهد که همه با جدیت پای کار هستند.

رئیس دفتر رئیس جمهور تأکید کرد: به نظر می‌رسد اکنون در حال برداشت ثمرات این تصمیم‌سنجیده هستیم. خوشبختانه، بر اساس دو نظرسنجی مستقل از دولت، بیش از ۷۳ درصد مردم از خدمات دولت رضایت دارند یا بسیار راضی هستند، که این موضوع موجب افتخار است.

حاجی میرزایی با بیان اینکه اکنون درگیری یکی از بزرگترین جنگ‌های سال‌های اخیر شده‌ام؛ جنگی که در آن، یکی از قدرتمندترین ارتش‌های جهان با مدرن‌ترین تجهیزات نظامی، یعنی آمریکا و یکی از شورزترین رژیم‌های دنیا یعنی رژیم اسرائیل، به ما حمله کرده‌اند، گفت: با این حال، وقتی در سطح شهر تردد می‌کنیم و به فروشگاه‌ها سر می‌زنیم، نه نشانی از صف‌های طولانی دیده می‌شود و نه کمبودی در کالاها به چشم می‌خورد.

حاجی میرزایی ادامه داد: به‌طور کلی، برداشت من این است که دولت در چنین شرایطی دو مسئولیت اساسی بر عهده دارد: نخست، تأمین نیازهای مردم و کمک به اینکه زندگی روزمره آنان در کنار رنج و اضطراب ناشی از جنگ با کمترین دغدغه‌ها ادامه یابد. این وظیفه با تمام توان در حال انجام است.

وی با بیان اینکه دوامین مسئولیت مهم، پشتیبانی از نیروهای مسلح است، خاطرنشان کرد: امروز، خط مقدم این نبرد در اختیار رزمندگان و نیروهای مسلح در تمامی سطوح قرار دارد که با جدیت در حال دفاع هستند و دولت نیز وظیفه دارد پشتیبانی لازم را از آنان به‌عمل آورد.

وی با بیان اینکه درخصوص ادامه با پایان جنگ نیز، سازوکارهای قانونی و معتبری برای تصمیم‌گیری وجود دارد که از کارآمدی لازم برخوردارند و در هر زمان و به هر شکل که لازم باشد، از حقوق مردم دفاع خواهند کرد. گفت: طبیعتاً یکی از مهمترین مسائلی که باید به شدت مورد توجه قرار گیرد، حفظ وحدت و انسجام در جامعه است.

### سرمایه فکری یک کشور با حمله نظامی

#### از بین نمی‌رود



علی شریفی یزدی استاد جامعه‌شناسی

اظهارات اخیر رئیس جمهوری آمریکا مبنی بر اینکه در صورت درگیری می‌تواند ایران را به «عصر حجر» بازگرداند، تهدیدی است که نمی‌توان از آن صرف نظر کرد.

در تحلیل چنین تهدیدی یکی خطای محاسباتی جدی نیز دیده می‌شود. برخی تصور می‌کنند که با هدف قرار دادن زیرساخت‌ها، می‌توان یک کشور را واقعاً به ناشی از جنگ با کمترین دغدغه‌ها ادامه داد. این وظیفه با تمام توان در حال انجام است.

وی با بیان اینکه دوامین مسئولیت مهم، پشتیبانی از نیروهای مسلح است، خاطرنشان کرد: امروز، خط مقدم این نبرد در اختیار رزمندگان و نیروهای مسلح در تمامی سطوح قرار دارد که با جدیت در حال دفاع هستند و دولت نیز وظیفه دارد پشتیبانی لازم را از آنان به‌عمل آورد.

وی با بیان اینکه درخصوص ادامه با پایان جنگ نیز، سازوکارهای قانونی و معتبری برای تصمیم‌گیری وجود دارد که از کارآمدی لازم برخوردارند و در هر زمان و به هر شکل که لازم باشد، از حقوق مردم دفاع خواهند کرد. گفت: طبیعتاً یکی از مهمترین مسائلی که باید به شدت مورد توجه قرار گیرد، حفظ وحدت و انسجام در جامعه است.

بودند و تا حدی به قواعد حقوق بین‌الملل توجه داشتند. اما به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، برخی جریان‌های پشت پرده به این جمع بندی رسیده‌اند که برای پیشبرد اهداف خود باید قواعد موجود را کنار بزنند و فردی را در رأس قرار دهند که آماده زیر پا گذاشتن این قواعد باشد. در چنین شرایطی، طبیعی است که از چنین شخصیتی انتظار سخنان سنجنیده و مبتنی بر منطق چندان واقع‌بینانه نباشد. کسی که معنای واقعی «عصر حجر» را بداند، به خوبی درک می‌کند که ملتی با سابقه تمدنی چند هزار ساله در منطقه‌ای مانند خاورمیانه، ملتی نیست که بتوان آن را با تهدید و ادبیات تحقیرآمیز از صحنه تاریخ کنار زد.

آنچه امروز در منطقه و جهان در حال شکل‌گیری است، بیش از هر چیز نشان‌دهنده تغییر موازنه‌هاست. رژیم صهیونیستی با چالش‌های جدی در حوزه‌های امنیتی و سیاسی مواجه است و آمریکا نیز با بحران‌های داخلی و کاهش اعتبار جهانی دست‌وپنج نرم می‌کند. در مقابل، ایران چه بخواهد و چه نخواهد، به تدریج جایگاه خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های اثرگذار در دهه‌های گذشته در خاورمیانه با رقیبی جدی مواجه نبوده و همین امر باعث شده تصویری اغراق‌آمیز از قدرت خود بسازد؛ تصویری که با آنکا به جنگ‌های نیابتی و ابزارهایی مانند رژیم صهیونیستی حفظ شده است.

در همین چهارچوب، برخی کشورهای منطقه نیز سال‌ها با ایجاد فضای هراس، به منابع مالی برای این سیاست‌ها تبدیل شدند؛ سیاستی که امروز بیش از هر زمان دیگری ناکارآمدی آن آشکار شده است.

جمهوری اسلامی ایران اما با اقتدار از کیان کشور و ملت خود دفاع می‌کند و در مقابل، ملت نیز از نیروهای نظامی خود حمایت می‌کند. چنین همبستگی و همراهی میان مردم و نیروهای مدافع کشور در مقیاسی گسترده، پدیده‌ای کم‌نظیر در تاریخ معاصر جهان به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که رئیس‌جمهور آمریکا الزاماً تصمیم‌گیر نهایی در این کشور نیست. در دوره‌های گذشته معمولاً رؤسای جمهور آمریکا دارای پیشینه حقوقی